الباب الحادی و العشر من الواحد الثامن فی غسل المیت…

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب الحادی و العشر من الواحد الثامن** فی غسل المیت ثلاث مرآت علی ذلک الترتیب: الاول الرأس و تقول یا فرد ثم البطن و تقول یا حی ثم الیمین و تقول یا قیوم ثم الشمال و تقول یا حکم ثم رجل الایمن و تقول یا عدل ثم رجل الایسر و تقول یا قدوس بماء او بما شاء من کافور و سدر و لیکفنه بخمس لبس و یجعل الخاتم فی یمینه بما هو مکتوب علیه فی الرجال: ”و لله ما فی السموات و الارض و ما بینهما و کان الله بکلشیئ علیما“ و فی النساء: ”و لله ملک السموات و الارض و ما بینهما و کان الله علی کلشیئ قدیرا“.

ملخص این باب آنکه کل احکام بیان بر اسرار توحید و معرفت جاری شده که اگر کسی نظر کند از مبدأ تا منتهای آن ماء توحید را در کل بر یک نهج جـــــاری می بیند و اذن داده شده در مقام غسل میت یکمرتبه واجب و الی الثلاثه او الخمسه اذن داده شده زیرا که مراتب توحید در پنج رتبه ذکر میشود در ﴿لا اله الا هو﴾ و ﴿لا اله الا انا﴾ و ﴿لا اله الا الله﴾ و ﴿لا اله الا انت﴾ و ﴿لا اله الا الذی﴾ و چنین نفسی اگر در ظهور میبود و در سنه اول مؤمن میگردید بظهور توحید هر آینه الی سنه خمس منتهی میگشت بآخر مراتب توحید از این جهت است که یکدفعه واجب گشته و مراتب رباع کل خواهند متحمل شد اگر عسری نباشد

واذن داده شده از رأس و بطن و یدین و رجلین و در حین اشتغال بثناء و حمد الهی ذاکر گردد او را و بآنچه در حیات او از هر فصل مقتضی بوده از سردی ماء یا گرمی آن لایق است که بهمان نحو غسل داده شود بر ایدی اتقیاء و بعد از فراغ اگر میسر است بماء ورد یا طیب دیگر معطر نمایند

و اذن داده شده در کفن به پنج ثوب از حریر گرفته تا منتهای درجات قطن منتهی گردد و بر آن زیاده از نوزده اسم جایز نیست که نوشته شود هر که هر چه خواهد نویسد

و قدری تربت از قبر اول و آخر با او دفن نمودن سبب میگردد که حزنی مشاهده ننماید بعد از موت و در جنت الهی بآنچه ما یحب او بوده و هست متلذذ گردد

و بر ید یمین او خاتمی منقوش اذن داده شده در رجال ”و لله ما فی السموات و الارض و ما بینهما و کان الله بکلشیئ علیما“ و در نساء ”و لله ملک السموات و الارض و ما بینهما و کان الله علی کلشیئ قدیرا“

و تقلب میت را در هر حال بشأنی نموده که دون وقار و سکون در حق او جاری نگردد زیرا که احترام جسد مؤمن احترام مؤمن است و اسماء سته یا مطلق اسم الله از اول انتقال آن تا آخر بقلب یا بلسان مشتغل گردد

و بدانکه موت مثل حیات است اگر میت بایمان بآن ظهور قبض روح شود درجنت الهی متلذذ خواهد بود و الا در نار است و مراقب بوده که یوم قیامت نشود و قبض روح نفسی شود و در نار رود و ملتفت نشود چنانچه از یوم ظهور رسول الله - صلی الله علیه و اله - تا امروز هر نفسی که در غیر ایمان باو قبض روح شده در جنت داخل نشده وهمچنین از اول ظهور بیان هر نفسی که در آن قبض شود خداوند است قابض آن بملائکه که موکلند بر او و داخل جنت میگردد اگر مطابق آنچه خداوند در بیان فرموده اطاعت کرده باشد و اگر در غیر ایمان ببیان قبض روح شود اگر عمل ثقلین نماید که نفع باو نمی بخشد و اگر بعد از موت او کل خیرات از برای او شود که نفع باو نمی بخشد الا انکه ایمان آورد بخداوند و آیات او و اطاعت نماید محبوب خود را بآنچه در بیان نازل فرموده لعل آنوقت درک کند او را رحمت الهی و در جنت خلق مخلد گردد

و مراقب باش ظهور ”من یظهره الله“ را که اگر شنوی ظهور او را و بقدر اینکه بگوئی بلی تأمل نمائی در نار هستی چه قبض روح شوی چه درحیات باشی این است مراد خداوند در نزد هر ظهور ازهر نفسی مراقب باش که در صعقهای یوم قیامت بیرون نروی که صعقهای آنروز ظهورات حزنی است که وارد میشود و آیات ممتنعه است که ظاهر میگردد در حق ظاهر بظهور یا اریاح جنتی است که از صبح ازل میوزد بر هیاکل افئده کل موجودات مثل آنکه اگر در این ظهور نظر کنی کل را مشاهده میکنی

و زیارت کن موتی را در هر عدد واحد یک واحد و شئون دیگر در این باب نازل شده که خواهی شاهد شد بر او در لوح آن قل الله یتوفیکم بامره و لیأمرن الملائکة ان یقضبن عباده المؤمنین

و همین قسم که روح مؤمن را ملائکه قبض میفرمایند بامر خداوند روح غیر مؤمن را هم شیاطین قبض مینمایند چنانچه هر کس در ظل بیان عروج نماید قابض روح آن ملائکه عالینند و هر کس در غیر بیان موت او را رسد یا دون آن ملائکه نزدیک نمیآیند زیرا که مؤمن مس نمیکند او را چگونه بملک رسد و اگر کشف غطا شود از عیون شیاطین آنها هم نمیکنند از شدت حرارت نار در آن الا آنکه چون در حجابند قبض روح میکنند و بخزانه نار میسپارند

و روح مؤمن بین یدی الله حاضر میشود و همین قسم روح دون مؤمن در حد خود خداوند نظر بر او نمیافکند و امر میفرماید بنار که اون را بگیر و توکل کن بر خداوند که موت تو را درک نکند و از برای خداوندی که عبادت کردۀ چون بر سبیل نبوده جزا داده نشوی یوصیکم الله فی انفسکم ثم کل عباده لعلکم تتقون.

